

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: پیکار جو
۱۰ اگست ۲۰۱۵

اعلامیه سازمان سوسیالیستهای کارگری افغانستان

باز هم ارتجاع هار و رسن گسیخته اسلامی در هیأت طالبان قدرت نمائی نموده و با حملات دهشتناک و پیاپی در کابل و سایر نقاط کشور حمام خون بر پا و انسانهای بسیاری را از حق حیات محروم نمود. این یورش وحشیانه و سازمان یافته اسلام سیاسی زمانی به اجراء گذاشته می شود که سران "دولت وحدت ملی" و حامیان جهانی و منطقه ئی شان در ضمن سوگواری و مرثیه خوانی برای "امیر المؤمنین" از دست رفته، ملا محمد عمر ابن "برادر ناراض" و مجاهد، در تلاش اند تا با همکاری دولتمردان مرتجع پاکستانی باب آشتی و مذاکره با "امیر المؤمنین" ملا اختر منصور رهبری جدید طالبان را پیش برده و زمینه مشارکت آن ها را در قدرت سیاسی مهیا سازند. اما پاسخ طالبان و حامیان منطقه ئی آن از جمله پاکستان به این تمایل و خواست سران دولت پوشالی حملات سازمان یافته و دهشتناک اخیر بود، تا علی رغم اختلافات درونی و کشمکش بر سر مقام رهبری، بتوانند از یک موضع برتر و با صلابت بر سر میز مذاکرات احتمالی بر گردند.

افشاء و سپس تأیید مرگ یا قتل ملا عمر رهبر طالبان این نماد توحش و جنایت که بیشتر از دو سال مخفی نگهداشته شده بود، توجه بیشتر اذهان مردم را به خود جلب نمود و واکنش های مختلفی را نیز در پی داشت. یکی از این واکنش ها ابراز خوشی و سرور مردم آزاده افغانستان بود، که خاطرات تلخی از دوران سیاه وحشت و بربریت امارت اسلامی طالبان و هم کیشان مجاهد آنها در دهه نود میلادی با خود دارند. طی این ۱۴ سال تمام مردم زحمتکش افغانستان شاهد درنده خوئی و جنایت و قساوت این نیروی فوق ارتجاعی بوده و می باشد، که هر روز از زن و مرد و کودک این جامعه قربانی می گیرد و آرامش و راحت را از مردم ربوده است. در همین حال نیروهائی از درون حاکمیت پوشالی مراسم رسمی یاد و بود از ملا عمر و بیعت به "امیر المؤمنین" و رهبر جدید طالبان را در دل پایتخت و نواحی دیگر بر پا نمودند.

میراث سیاه ملا عمر و همه جهادی های مسلمان برای مردم افغانستان از زن و مرد و پیر و جوان چیزی نبوده جز تحمیل رنج، جنگ، فقر و ستیز با مدنیت و شادی و انهدام تمامی بنیادهای اقتصادی و اجتماعی. سلطه خونبار اسلام سیاسی و حامیان و مهندسان آنها در کمپ بورژوازی جهانی عقبگرد عظیمی را بر مردم این جامعه تحمیل نموده است. بعد از افشای مرگ ملا عمر، چند مسأله به روشنی بر همگان بر ملا گردید، یکی از آنها عدم صداقت دولت پاکستان در مورد پروژه "صلح" و دیگرش بی عرضگی و بی مایگی سران حاکمیت پوشالی به رهبری اشرف غنی و نا آگاهی آنان از چند و چون ساختار و وضعیت نیروی مخالف یا به زعم و گفته خودشان "برادران ناراض" است. چنان که همین

تازگی‌ها اشرف غنی در پیامش به مناسبت تبریک عید از ملا عمر و موضعگیری اش تقدیر نمود. هم رژیم پوشالی و هم حامیان آن با وجود در اختیار داشتن استخبارات و ارگان‌های کشفی عریض و طویل از مرگ ملا عمر و چگونگی آن بی اطلاع بودند و پاکستان با مهارت تمام این چند سال اسرار مرگ وی را پنهان نمود تا بتواند با خاطر آسوده و فرصت کافی رهبری مرکزی طالبان و همچنین پیشبرد سیاست‌ها و منافع ستراتیژیکش در افغانستان را به خوبی مدیریت نماید. خبر مرگ و افشای آن علی رغم تلاشهای مذبوحانه دستگاه استخباراتی پاکستان عامل چند دستگی و انشعاب در میان رهبری طالبان است. این پروسه از همین آغاز فیگورهای مطرح طالبان را در برابر هم قرار داده، وبه رقابت میان آنها گسترش بیشتر می بخشد.

همانطور که اطلاع داریم ملا عمر و بخش بزرگی از بدنه طالبان با جهادی‌های عرب، بن لادن و القاعده، دارای بهترین روابط بودند و همین روابط حسنه و خوب حتی عامل اساسی سرنگونی امارت اسلامی طالبان گردید، در حالی که بخش‌های دیگری از طالبان خواستار قطع رابطه با جنگجویان عرب و خروج بن لادن از افغانستان بودند. این دونوع دیدگاه را می‌توان ظاهراً اولین نشانه‌های دویارچگی گروه طالبان خواند و با گذشت زمان الی سامان گرفتن مذاکرات "صلح" با دولت کنونی افغانستان نمایانگر دست برتر گروه دوم دانست، که گویا اکنون بعد از مرگ ملا عمر محوریت رهبری طالبان را به چنگ آورده اند. اما از جانب دیگر از آنجائی که پاکستانی‌ها همیشه بازی سیاسی چند پهلوی را در برابر افغان‌ها داشته اند، چنین تدبیر سنجیده و برنامه ریزی نموده اند تا با ترسیم و برپائی روند تازه، داعیه دوام جنگ را زیر اسم بروز انشعاب میان طالبان و بیعت جناح اکثریت طالبان با داعش، مشروعیت ببخشند. بناءً افشای مرگ ملا عمر توسط پاکستانی‌ها آنها چند روز پیش از برگزاری دور دوم مذاکرات نام نهاد صلح میان دولت و طالبان همین هدف معین را دنبال می کند که پس منظر آن توقف مذاکرات صلح و انشعاب میان گروه طالبان را مد نظر دارد.

مداخله آشکار پاکستان در افغانستان، حضور بن لادن و سپس کشته شدن او توسط نیروهای نظامی امپریالیسم امریکا در نزدیک اکادمی نظامی در ایبیت آباد، موجودیت شورای کویته طالبان در ایالت بلوچستان، حملات توپخانه ئی پاکستان به ولایت کنر و جنایت‌های جنگی طالبان موج بزرگی از خشم و نفرت را نه تنها میان افغانها بلکه حتی میان لایه هائی از مردم پاکستان نسبت به درگیری بی رویه نظامی‌های پاکستان ایجاد نموده که آنها را مجبور به تجدید نگاه سیاسی دوگانه جدید نسبت به افغانستان ساخته است. این نگاه استخباراتی جدید و عوام فریبانه، پیشکش نمودن تعامل صلح خواهی و در ضمن کار برد ساختار جدید نیروهای وابسته برای ادامه جنگ در افغانستان را تعریف می کند، که از يك جانب معطوف است به مذاکرات صلح و از جانبی تکمیل ساختن ترکیب کمی و کیفی جدید نیروهای تداوم جنگ زیر عنوان پیوستن بدنه اصلی طالبان به داعش. سیاست جاری دولت‌مردان و نظامیان پاکستان از اعلام و افشای مرگ ملا عمر را پیشبرد سیاست اتخاذ شده جدید آن کشور که چیزی نیست به جز تداوم جنگ و تحصیل منافع ستراتیژیکش در منطقه و افغانستان، تشکیل می‌دهد. ایجاد انشعاب میان طالبان و کشاندن هرچه بیشتر نیروهای آن زیر پرچم داعش، مانند گروه انشعابی طالبان به نام "محاذ فدائی" که این گروه شدیداً جانبدار دوام جنگ بوده و مستقیماً از جانب اداره استخبارات نظامی پاکستان هدایت می شوند و بر همین روال استعفای ملا طیب آغا که ریاست نمایندگی سیاسی طالبان در قطر را عهده دار بود که ظاهراً پس از افشای مرگ ملا عمر مناسباتش با شورای کویته به هم خورد را نیز می توان در خدمت اهداف سیاسی و برنامه‌های جدید دولت پاکستان دانست.

اعلام موضع رسمی جناح مسلط طالبان در مورد تداوم جنگ و اجرائی شدن آن، که چیزی نیست جز پیشبرد ستراتیژی مطرح شده از جانب پاکستان، که تبارز عملی این موضعگیری را می‌توان در حرکت‌ها و حملات اخیر خونبار در شهر کابل نیز مشاهده نمود. "دولت وحدت ملی" عدم صلاحیت و مشروعیتش را گام به گام ثابت می‌سازد. این دولت ارتجاعی از موضع ضعیف و با تضرع از طالبان و پاکستان "صلح" گدائی می‌کند در حالی که آنها با کشتار مردم بی-

دفاع و بی‌پناه از موضع برتر سهم خواهی می‌نمایند. دولتمردان مزدور در هیأت اشرف غنی و عبدالله عبدالله هر بار بر اجساد قربانیان اشک تمساح می‌ریزند و ادعاهای میان تهی تحویل مردم می‌دهند. پاسخ به وحوش اسلامی چون طالبان، القاعده و داعش و جنایات خونین و سازمانیافته آنان و همچنین دولت ارتجاعی و حامیان بین‌المللی آن را فقط زنان و مردان آزادیخواهی می‌توانند بدهند که حاضر اند از هستی و حیات و حرمت و شأن خود دفاع نمایند و به ارتجاع و راه های حل ارتجاعی و قرون وسطائی با صراحت نه بگویند، نه حاکمیت پوشالی و کسان دیگری.

سازمان سوسیالیستهای کارگری افغانستان ضمن محکومیت شدید جنایات اخیر ارتجاع اسلامی و ابراز همدردی عمیق به خانواده های داغدار و به غم نشسته چون گذشته معتقد است که پروژه طالبان، داعش و در کل اسلام سیاسی محصول ستراتیژی سرمایه‌داری جهانی در رأس امپریالیسم امریکا بوده و پاکستان به عنوان متحد منطقه‌ای آن در تلاش بوده و هست که منافع ستراتیژیکش در افغانستان را در همراهی با پروژه های اصلی سردمداران نظم امپریالیستی دنبال نماید. از همین رو پروژه داعش به عنوان یک پروژه کلان و معطوف به آسیای میانه از اهمیت بیشتری برخوردار است که می‌توان بخشی از نیروهای حاضر در وجود طالبان را در خدمت آن گمارد. پاکستان با انشقاق و انشعاب در طالبان می‌خواهد دو امر را همزمان دنبال نماید، یکی تقویت صفوف داعش به لحاظ نیروی انسانی و دیگرش قناعت افکار عمومی در مورد این که پاکستان گویا در تلاش است تا "صلح" و ثبات در افغانستان بر گردد ولی توانائی آن را ندارد تا إرادة اش را بالای بخش باقی مانده از طالبان که همچنان بر طبل جنگ می‌کوبد اعمال نماید .

زنده باد سوسیالیسم!

شورای مرکزی سازمان سوسیالیستهای کارگری افغانستان

۱۷ اسد ۱۳۹۴؛ ۸ اگست ۲۰۱۵